

۱۲۸۴، ۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیات فلسفه علوم اجتماعی

دکتر محمد حسین اسماعیلی سنگری
عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

سرشناسه : اسماعیلی سنگری، محمدحسین، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور : کلیات فلسفه علوم اجتماعی / محمدحسین اسماعیلی سنگری.

مشخصات نشر : تهران: الوند پویان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۲۱۲ ص.

شابک : ۱۸۰۰۰۰ ریال ۵-۱۲-۵۰۵۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۰۵ - ۲۰۹.

موضوع : علوم اجتماعی -- فلسفه

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ک ۸۱۵ الف / ۱۵/۱۶۱ H

رده بندی دیویی : ۳۰۰/۱

شماره کتابخانه ملی : ۴۱۱۰۲۴۷



اندر رات الوند پویان

* * * * *

- عنوان کتاب : کلیات فلسفه علوم اجتماعی
- مؤلف : دکتر محمدحسین اسماعیلی سنگری
- ناشر : الوند پویان
- نوبت چاپ : اول ۱۳۹۴
- طرح روی جلد: آرش دائمی مژدهی
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: هنر و اندیشه
- چاپ و صحافی:
- شمارگان : ۵۰۰ جلد
- قیمت : ۱۸۰۰۰ تومان
- شابک : ۵-۱۲-۵۰۵۴-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

مقدمه ۹

بخش اول

مباحث نظری در فلسفه علوم اجتماعی

فصل اول:	۱۶
ماهیت و منشأ فلسفه علوم اجتماعی	۱۶
فصل دوم:	۲۲
فلسفه‌ی علوم قاره‌ای، در تحلیلی تا قاره‌ای	۲۲
فصل سوم:	۳۰
فایده‌ی فلسفه	۳۰
فصل چهارم:	۳۹
نگرش علمی در علوم رفتاری	۳۹
چهار روش شناخت	۳۹
گفتار اول: علم و کارکردهای آن	۴۰
گفتار دوم: هدف‌های علم، تبیین علمی و نظریه	۴۰
پس استدلال - قیاس به چه می‌گویند؟	۴۲
فصل پنجم:	۴۳
مسئله روش در جامعه‌شناسی	۴۳
فصل ششم:	۴۷
منطق و روش علمی در پژوهش‌های اجتماعی	۴۷
سخن نخست	۴۷
گفتار اول: منطق علم	۴۷
گفتار دوم: روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی:	۵۰
نتیجه‌گیری	۵۲
فصل هفتم:	۵۴
کنکاش در مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری	۵۴
گفتار اول: ضرورت بررسی مبانی فلسفی پژوهش	۵۶
زیربنای فلسفی پژوهش کمی و کیفی	۵۷

۵۸	گفتار دوم: پرسش‌های فلسفی مرتبط با پژوهش
۶۰	گفتار سوم: اصول موضوعه و پارادایم‌ها
۶۳	نتیجه‌گیری
۶۴	فصل هشتم:
۶۴	طبقه‌بندی پژوهش‌های کیفی
۶۷	گفتار اول: تبیین نگرش‌های فلسفی در روش‌شناسی تحقیقات کیفی
۶۸	۱- پژوهش پوزیتیویستی یا مطالعات اثبات‌گرایانه
۶۸	۲- پژوهش تفسیری
۶۹	۳- پژوهش پدیدارشناسانه (انتقادی)
۷۰	۴- پژوهش دیالکتیکی
۷۱	شیوه‌های کیفی: رویکردهای داده‌ها
۷۲	الگوهای تحلیلی در تحقیقات کیفی
۷۲	۱- نقش تأویس و فرا-تحقیقات کیفی
۷۳	الف- پیش‌فرض‌های پیش‌داده‌های مفسر
۷۳	ج- متن چه می‌گوید (پرسش در تاریخ)
۷۳	د- کشف مرکز معنای متن
۷۴	و- ادغام افق‌های مفسر و متن
۷۴	۲- منطق نشانه‌شناسی در تحلیل کیفی
۷۴	۳- روایت و استعاره
۷۴	۴- تحلیل جنسیتی
۷۵	نتیجه‌گیری
۷۶	فصل نهم:
۷۶	انسان، اخلاق، جامعه
۷۶	گفتار اول: اخلاق و آسیب‌های اجتماعی
۸۱	گفتار دوم: جامعه اخلاقی، انسان اخلاقی
۸۹	فصل دهم:
۸۹	اثرات ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک بر تاریخ‌نگاری در ایران
۹۰	گفتار اول: آسیب‌شناسی‌های معاصر از تاریخ‌نگاری
۹۵	گفتار دوم: نقش ایدئولوژی
۹۷	نتیجه‌گیری
۹۹	فصل یازدهم:
۹۹	طرح دیالوگ علوم اجتماعی میان فلسفه اسلامی و فلسفه غرب

بخش دوم

اندیشه‌های اجتماعی نخبه‌ها و اندیشمندان جهان اسلام

فصل اول:	۱۰۸
دیدگاه‌های اجتماعی ابونصر فارابی	۱۰۸
زندگی‌نامه	۱۰۸
خاستگاه اندیشه‌های اجتماعی فارابی	۱۱۲
روش‌شناسی فارابی	۱۱۲
انسان‌شناسی فارابی	۱۱۴
طبقه‌بندی و حدود علوم	۱۱۵
علم مدنی	۱۱۷
الزام‌های حیات و زندگی اجتماعی	۱۲۰
هویت جامعه	۱۲۱
علل تمایز جوامع	۱۲۲
فارابی و ارکانیسم اجتماعی	۱۲۳
آسیب‌شناسی اجتماعی	۱۲۵
همبستگی اجتماعی	۱۲۶
فارابی و نظریه نخبگان	۱۲۷
فصل دوم:	۱۳۰
اندیشه سیاسی فارابی	۱۳۰
حکمت نظری و سیاست عملی (رابطه جهان هستی با سیاست)	۱۳۱
چگونگی ارتباط مدینه (ناسوت) با منشأ هستی (لاهوت)	۱۳۳
مداین چهارگانه و ضابطه تقسیم‌بندی آن‌ها	۱۳۳
۱- مدینه فاضله یا آرمان‌شهر	۱۳۴
۲- مدینه جاهل یا نادان شهر	۱۳۵
۳- مدینه ضاله یا گمراه شهر	۱۳۷
۴- مدینه فلسفه یا دروندشهر	۱۳۸
نتیجه‌گیری	۱۳۹
فصل سوم:	۱۴۰
دیدگاه‌های اجتماعی خواجه نصیرالدین طوسی	۱۴۰
جامعه و حکومت در عصر خواجه نصیر	۱۴۱
جایگاه فرهنگی خواجه نصیر طوسی	۱۴۳
طبقات اجتماعی از نظرگاه خواجه نصیر	۱۴۷

۱۴۹	۱- اهل قلم
۱۴۹	۲- اهل شمشیر
۱۵۰	۳- اهل معامله
۱۵۰	۴- اهل مزارعه
۱۵۰	نتیجه‌گیری
۱۵۳	فصل چهارم:
۱۵۳	نظریه‌ی معرفت‌شناسی ابن خلدون
۱۵۴	تعریف و جایگاه اندیشه
۱۵۵	اندیشه و عدل
۱۵۵	مراتب اندیشه و انواع ادراکات
۱۵۶	استقراء و کلداء
۱۵۸	فصل پنجم:
۱۵۸	اندیشه‌ی اجتماعی ابن خلدون و ابن بیرونی
۱۵۹	شرایط اجتماعی - رسم بیرونی و ابن خلدون
۱۶۰	علوم انسانی در اندیشه بیرونی و ابن خلدون
۱۶۱	مشابهت‌های دو اندیشمند
۱۶۱	الف - زمینه‌های شکل‌گیری تفکر اجتماعی بیرونی و ابن خلدون
۱۶۱	۱- زمینه‌های فکری
۱۶۲	۲- زمینه‌های سیاسی اجتماعی
۱۶۳	۳- تجربیات سیاسی
۱۶۳	۴- انگیزه‌های فردی
۱۶۴	ب- حوزه مطالعه و تحقیق
۱۶۵	پ - متدولوژی تحقیق
۱۶۵	۱- مبادی روش تحقیق آن‌ها در علوم انسانی
۱۶۶	الف - واقع‌بینی
۱۶۶	ب- اجتناب نمودن در ارزش‌گذاری
۱۶۷	ت- مقایسه و تطبیق
۱۶۸	۱- فن‌های تحقیق در علوم انسانی
۱۶۹	تفاوت‌ها
۱۷۰	نتیجه‌گیری
۱۷۲	فصل ششم:
۱۷۲	نگرشی به مؤلفه‌های فلسفه تاریخ ابن خلدون و نسبت سنجی آن با عقلانیت جدید

۱۷۴	سؤال اصلی پژوهش و بحث
۱۷۴	فرضیه
۱۷۴	تبیین مفاهیم
۱۷۵	گفتار اول: مؤلفه‌های فلسفه تاریخ ابن خلدون
۱۷۵	۱- نقادی تاریخی
۱۷۷	۲- واقع گرایی
۱۷۹	۳- علت شناسی و باطن اندیشی رویدادها
۱۸۰	۴- تحلیل قیاسی
۱۸۳	گفتار دوم نگرشی تطبیقی میان خرد گرایی جدید و سنتی
۱۸۶	فصل هفتم
۱۸۶	روش‌شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم، علامه طباطبایی
۱۸۷	گفتار اول: ویژگی‌های مشترک دورکیم، علامه طباطبایی
۱۸۷	۱- هستی‌شناسی دورکیم
۱۸۸	۲- هستی‌شناسی علامه طباطبایی
۱۸۸	۳- موضوع جامعه‌شناسی از دیدگاه دورکیم و علامه طباطبایی
۱۸۹	گفتار دوم: مبانی معرفت‌شناختی دورکیم و علامه طباطبایی
۱۹۰	۱- مقایسه علوم طبیعی و علوم اجتماعی از دید دورکیم و علامه طباطبایی
۱۹۱	گفتار سوم: اصول انسان‌شناسی دورکیم و علامه طباطبایی
۱۹۲	گفتار چهارم: قضایا در علوم اجتماعی از دیدگاه دورکیم و علامه طباطبائی
۱۹۵	گفتار پنجم: آزمون، هدف و منبع نظریه از دیدگاه دورکیم و طباطبائی
۱۹۶	نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
۱۹۶	سده بیست و یکم و آینده علوم اجتماعی
۱۹۷	بحران در علوم
۱۹۸	نگرشی تاریخی بر شکل‌گیری علوم اجتماعی
۱۹۹	چالش‌های کنونی در علوم اجتماعی
۲۰۰	علوم اجتماعی به کجا می‌روند؟
۲۰۵	منابع فارسی
۲۰۹	منابع لاتین

مقدمه

فلسفه علم اجتماع عمدتاً به تحلیل علوم اجتماعی موجود است؛ یعنی هم به نیات و اعتبارات فاعلان می‌پردازد و هم به عواقب اخلاقی رفتار جمعی آنان مبادرت می‌نماید. از این رو، تقریباً تمامی تحلیل‌های موجود در فلسفه علوم اجتماعی یا از علوم اجتماعی نشئت گرفته‌اند یا از فلسفه. بحث‌های این تفسیرهای تحلیلی بر اساس اصول و سرفصل‌های خاص خودشان انجام می‌گیرد. از این رو، می‌توان آثار منتشره در باب آن رویکرد را به چهار دسته تقسیم و بحث کرد. امروزه فضای تفکرواندیشه فلسفی به شکل متداول آن به دو مفهوم تقسیم‌بندی می‌گردد: مفهوم تحلیلی و مفهوم قاره‌ای. این دو مفهوم اشاره به دو سنت فکری فلسفی متفاوت دارند. به زعم بسیاری از صاحب‌نظران، تفاوت آن‌ها گاه بنیادین است. این دو گانه در صورت‌ها و لایه‌های مختلف ظهور و بروز خود، نمایش‌گر تفاوت‌های اساسی آنها می‌باشند. یکی از لایه‌های ظهور این دو سنت فلسفی، فلسفه علوم اجتماعی است.

به بیان دیگر پس از انقلاب علمی در انگلستان، دو جریان فلسفی در غرب رودرروی هم صف کشی کردند: جریانی که متأثر از دستاوردهای علم تجربی می‌کوشد با ابزار منطقی از آن دفاع کند و تحت عنوان فلسفه‌ی تحلیلی از آن یاد می‌شود. بیش‌ترین طرفداران این جریان فلسفی در کشورهای انگلیسی‌زبانی همچون انگلیس، آمریکا، کانادا و استرالیا حضور دارند. جریان دیگری که متأثر از رویه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است، می‌کوشد تا با آشکار کردن زمینه‌های ذهنی و اجتماعی شکل‌گیری علم جدید، از امکان گونه‌های دیگر معرفت درباره جهان دفاع کند. این سنت فلسفی که تحت عنوان فلسفه‌ی قاره‌ای از آن یاد می‌شود در

کشورهای اروپایی غیر انگلیسی زبان یعنی در فرانسه، آلمان، اتریش، لهستان و... رواج بیش تری دارد.

فیلسوفان تحلیلی و قاره‌ای هریک به طریقی متأثر از کانت هستند. با ظهور تاریخ‌گرایی در قرن نوزدهم این پرسش مهم مطرح شد که آیا فهم عینی در علوم انسان هم امکان دارد؟ یا این علوم همواره محکوم به نسبی‌گرایی هستند؟ دیلتای کوشید طرح ناتمام کانت را ادامه دهد و هم چنان که کانت با نقد عقل محض به یاری علوم تجربی پرداخت و شروط پیشین فهم تجربی را مشخص ساخت، او نیز با نقد عقل تاریخی به یاری علوم تاریخی (علمی که ناظر به رفتار معنادار انسان است) برخیزد و دست‌یابی به قضایای صادق و مطلق را در این علوم امکان‌پذیر سازد. طرح کانتی دیلتای در نقد عقل تاریخی آن بود که نشان دهد انتقال از افعال و گفتار افراد به مقاصد و نیات آنها از اصول و قواعد عام که دارای ارزش عینی هستند، تبعیت می‌کند.

دیلتای در این باره از نسبی‌های حیات بهره جست. دیلتای اصولی را که به مدد آن قادر به ساماندهی تجارب حیاتی می‌شویم، بولاتی حیاتی‌ناامید و کوشید تا شبیه به کانت سیاهه‌ای از این مقولات فراهم آورد که این بار ناتمام ماند. برای شناخت ویژگی‌های فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای لازم است تا مواضع فلسفه عام اجتماعی قاره‌ای با سنت هرمنوتیک و با تأکید بر آراء دیلتای بیان و شناخته شود. سنت هرمنوتیک در صدد بوده تا شرایط پیشینی فهم پدیده‌های انسانی، اجتماعی و تاریخی را نشان دهد. همان‌طور که سنت انتقادی که در اندیشه‌ی رهایی از سلطه است؛ بر اساس دو بحث: تبارشناسی و فهم بهتر قابل فهم و شناخت است.

در مکتب ویا سنت انتقادی، نیچه با بهره‌گیری از تبارشناسی بداند "فهم اصول اخلاقی قرن نوزدهم بود و فوکو، به‌ویژه در آثار متأخر خود (برای مثال مراقبه و تنبیه و به‌خصوص قدرت و دانش) از آن رویکرد تاریخی برای فهم ویژگی‌های جوامع اروپایی استفاده کرد. فوکو ذات انگاری تاریخی را نقد کرد... آشنایی با اندیشه‌های فوکو بستری را برای فهم دیگر گونه پدیده‌های انسانی، اجتماعی و تاریخی فراهم کرده و به تبع آن زمینه را برای رهایی انسان فراهم می‌آورد.

در فلسفه علم فمینیستی، جنسیت ساختاری اجتماعی دارد و در تفاوت‌های جنسیتی خلاصه نمی‌شود. به این معنا جنسیت، نه تنها مشخصه افراد، بلکه مشخصه نهادها و نظام‌های نمادین است که علم نیز خود یکی از آن نظام‌هاست و در مجموع بر چگونگی شکل‌گیری و تحول علم و دیگر نهادهای اجتماعی اثر می‌گذارد. به همین دلیل فهم پدیده‌های انسانی، اجتماعی و تاریخی بدون در نظر گرفتن جنسیت امکان‌پذیر نیست.

آنچه در بالا بیان شد در واقع تبیین دو نحله یا مکتب کلان در تکوین و تشریح و توسعه‌ی فلسفه علوم اجتماعی است. دایره جغرافیایی آن آشکار می‌سازد در یک طرف آمریکا و انگلیس قرار دارند و در دیگر سایر کشورهای اروپایی و در رأس آنان آلمان، فرانسه، ایتالیا؛ اما آیا بقیه جهان و به‌ویژه جهان اسلامی در این علوم اجتماعی و در فلسفه‌ی آن که بی‌تردید متعلق به همه بشریت است، نقش و جایگاهی نداشته، ندارد؟ و نمی‌تواند داشته باشد؟

صرف ادعا کفایت امر نمی‌کند و سبب اساسی تدوین این کتاب نشان دادن عملی اقدامی پژوهشی است تا در ضمن توضیح و تبیین فلسفه علوم اجتماعی مغرب زمین، بازنمای اندیشه‌ی اجتماعی مهم‌ترین نخبه‌ها و اندیشمندان جهان اسلامی و مشرق زمین به‌عنوان بخشی از دنیای امروز باشد.

در ساماندهی این نوشته، مباحث در دو بخش دسته‌بندی شد. بخش اول حاوی یازده فصل هست. بخش اول به مباحث کلی در فلسفه علوم اجتماعی پرداخته است. فصل اول آن به ماهیت و منشأ فلسفه علوم اجتماعی اختصاص دارد. در فصل دوم آن بحثی تحت عنوان فلسفه علوم اجتماعی از تحلیلی تا قیاسی در دو گفتار مورد بحث قرار داده است. گفتار اول آن هرمنوتیک دیلتای و گفتار دوم سنت ادوات است. در فصل سوم به فایده فلسفه می‌پردازد و در فصل چهارم نگرش علمی در علوم رفتاری در دو گفتار مورد توجه قرار گرفت. در فصل پنجم به مسئله روش در جامعه‌شناسی پرداخته است. در فصل ششم در دو گفتار به بحث منطق و روش علمی در پژوهش‌های اجتماعی پرداخته است. فصل هفتم کنکاشی است در مبانی فلسفی پژوهش‌های کمی و کیفی در علوم رفتاری. این کنکاش در سه گفتار بیان شده است. در فصل هشتم پژوهش‌های کیفی را مورد طبقه‌بندی و بحث قرار داده است. این سه‌سای پوزیتیویستی - پژوهش‌های تفسیری و پژوهش‌های انتقادی مهم‌ترین طبقات آن است. سپس در سایر گفتارهایش به دینامیسم تنوع در راهبردهای پژوهش کیفی و همچنین به مطالعات پدیدارشناسی و همچنین به شیوه‌های کیفی گردآوری داده‌ها، و نیز به الگوهای تحلیل در تحقیقات کیفی پرداخته و بحث تفسیری داشته است. فصل نهم از بخش اول تحت عنوان: انسان، اخلاق، جامعه در دو گفتار تدوین شده است. در گفتار اول به بحث اخلاق و آسیب اجتماعی می‌پردازد و در گفتار دوم خود جامعه‌ی اخلاقی، انسان اخلاقی و نسبت و ارتباط آن‌ها را مورد بحث و نظر قرار داده است. عنوان فصل دهم اثرات ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک بر تاریخ‌نگاری در ایران است. یک قسمت از بحث آن آسیب‌شناسی‌های معاصر از تاریخ‌نگاری است و قسمت دوم بحث آن به نقش ایدئولوژی در علوم اجتماعی و فرایند آن اختصاص دارد. آخرین فصل از

بخش اول یعنی فصل یازدهم تحت عنوان طرح دیالوگ علوم اجتماعی میان فلسفه اسلامی و فلسفه غرب است. این فصل پل ارتباط مفهومی بین دو بخش اول و بخش دوم کتاب است. و در ضمن به این سؤال مستتر جواب میدهد که چرا در کنار فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای و تحلیلی، نیاز و ضرورت طرح دیالوگ از سوی فلسفه‌ی اسلامی است.

بخش دوم این نوشتار حاوی هفت فصل است. در این بخش توجه و بحث معطوف به اندیشه‌های اجتماعی اندیشمندان و نخبه‌های جهان اسلام است. مهم‌ترین آراء و اندیشه‌های افرادی همچون ابن خلدون که بی‌تردید جامعه‌شناسی دنیا و به‌ویژه غرب وام‌دار اوست و همچنین فارابی، بیشتر مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است. فصل اول این بخش به دیدگاه‌های اجتماعی ابن‌عصر فارابی اختصاص یافته است. در فصل دوم مروری به اندیشه سیاسی فارابی مبذول شد. سپس در فصل سوم دیدگاه‌های اجتماعی خواجه نصیر طوسی تدوین گردید.

فصل چهارم نظریه‌ی حرکت‌شناسی ابن خلدون در سه گفتار مورد تفسیر قرار گرفته است. در گفتار اول جایگاه اندیشه و عمل در گفتار دوم به مراتب اندیشه و ادراکات و در گفتار سوم به استقراء و کلیات در نظریه‌های ابن خلدون بحث شده است. در فصل پنجم اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی با ابن خلدون مورد مقایسه قرار گرفت. نقاط مشابه و سپس نقاط افتراق این دو اندیشمند جهان اسلام در مشرق زمین مورد واکاوی قرار گرفته و تطبیق آراء صورت گرفته است. در فصل ششم مؤلفه‌های فلسفه تاریخ ابن خلدون و نسبت سنجی آن با عقلانیت جدید در دو گفتار مورد تفسیر قرار گرفته است. در گفتار اول بحث‌های همچون نقادی‌های تاریخی او و واقع‌گرا بودنش در متد و علت‌شناسی‌های وی در کنار تحلیل فایده‌ی مورد بحث قرار گرفته و در گفتار دوم نگرش تطبیقی میان خردگرایی جدید و سنتی مورد بحث است. آخرین فصل از این بخش کتاب با عنوان روش‌شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم و علاقه به ابوابی دو اندیشمند شهر و نخبه‌ی جهان غرب با جهان شرق را مورد مطالعه قرار داده است. در کی‌های مشترک دورکیم و علامه طباطبایی مورد بحث قرار گرفت، سپس اصول انسان‌شناسی، قضایا در علوم اجتماعی و همچنین آزمون، هدف و منبع نظریه از دیدگاه این دو اندیشمند علوم اجتماعی مورد تفسیر و تبیین قرار گرفته است.

این نوشتار در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آینده‌ی علوم اجتماعی در قرن بیست و یکم را مورد بحث و پیش‌بینی قرار داده است. تبعا در پایان کتاب منابع و مراجع و سپس نمایه کتاب آمده است.

آنچه فراهم آمده، ابتدای یک پژوهش بین‌رشته‌ای تلقی می‌شود. این کتاب برای دانشجویان علوم سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد دارد و عمدتاً برای درسی تحت عنوان کلیات فلسفه علوم اجتماعی تألیف و تدوین شده است. همچنین برای همه پژوهندگان علوم انسانی که در حیطه متدلوژی علم تفحص و نظر می‌نمایند، مفید است. این کتاب به شکل چکیده فلسفه علوم اجتماعی غرب و سپس نظریه‌های اجتماعی شرق با تمرکز به دنیای اسلام را گردآورده است. از جانب‌داری فلسفی یا ایدئولوژیک احتراز نموده است. در کنار تعدادی از نوشته‌های خسته‌کننده در حیطه فلسفه و فلسفه علم الاجتماع که برای مخاطب فراهم می‌نماید سعی نموده است از بحث‌های فرعی و انتزاعی دوری کند. همچنین این نوشتار آن‌چنان وارد بحث‌های تخصصی در حوزه فلسفه علوم اجتماعی نشده است و آگاهانه از آن اجتناب نموده است.

مورد امتنان خاطر است که صاحب‌نظران و متخصصان فلسفه علوم اجتماعی موارد نقص و ایراد کتاب را باراهنمایی و تذکره مرید هدایت قرار دهند و موجبات ارتقاء و رشد بیشتر را فراهم سازند.

پاییز ۱۳۹۴